

Tendency to Delinquent Behaviors in Teenagers Due to Dark Personality Traits

Received: 06, August, 2022

Accepted: 14, September, 2022

Article type: Research Article

PP: 67-96

DOI:

[10.22034/entezam.2023.1273029.2495](https://doi.org/10.22034/entezam.2023.1273029.2495)

Saba Abbaspour

MA in Clinical Psychology,
Department of Psychology,
Faculty of Humanities, Islamic
Azad University, Sari Branch,
Sari, Iran. Email:
Sabaabbaspour71@gmail.com

Zahra Etamadi

MA in Clinical Psychology,
Department of Psychology, Faculty
of Humanities, Islamic Azad
University, Sari Branch, Sari, Iran.
Email:
Zohreetemadii@gmail.com

Abdul Hakim Tirgari

Assistant Professor, Department
of Psychiatry and Behavioral
Sciences, Faculty of Medicine,
Mazandaran University of
Medical Sciences, Mazandaran,
Iran. Email:
Tirgarih@gmail.com

**Mohammed Javad Baghian
Kolemarzi**

PhD in General Psychology,
Lecturer in the Department of
Educational Sciences, Lorestan
Farhangian University,
Khorramabad, Iran (Corresponding
Author). Email:
Javadbagiyani@yahoo.com

Abstract

Background and objectives: Delinquency is one of the forms of social deviations and its spread endangers social life. This research was conducted to study the tendency to delinquent behaviors in teenagers with regard to dark personality traits.

Method: In terms of its objectives this research is of an applied type and terms of method it is descriptive and correlational. The statistical population of this research was all teenagers aged 13 to 17 years in Noorabad Delfan city in 2022. The sample of the research was 370 teenagers who were selected by cluster sampling method. They answered online questionnaires of dark personality (Paulos and Jones, 2011) and delinquent behaviors (Pichero et al., 2019). The collected data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and multivariate regression using the simultaneous entry method using SPSS.26 software.

Findings: The results of the correlation coefficient showed that there was a positive and significant relationship between the dark triad of personality and delinquency ($P < 0.001$). The findings of multivariate regression showed that 35% of the variance of delinquency is explained by antisocial traits (psychopath), Machiavellianism and narcissism.

Results: Juvenile delinquency should be considered through self-control and empathy training using evidence-based approaches in important and applied research.

Keywords: Dark personality traits, Delinquency, Students.

گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان با توجه به صفات تاریک شخصیت

چکیده

زمینه و هدف: بزهکاری از اشکال انحراف اجتماعی است و گسترش آن حیات اجتماعی را به خطر می‌اندازد. این پژوهش با هدف گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان با توجه به صفات تاریک شخصیت انجام شد.

روش شناسی: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را همه نوجوانان 13 تا 17 سال شهرستان نورآباد دلفان در سال 1401 تشکیل داد. نمونه پژوهش شامل 370 نفر از نوجوانان بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های سه‌گانه تاریک شخصیت (پائولوس و جونز، 2011) و رفتارهای بزهکارانه (پیچرو و همکاران، 2019) به صورت آنلاین (برخط) پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری به شیوه ورود هم‌زمان با استفاده از نرم‌افزار SPSS.26 تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان داد که بین سه‌گانه تاریک شخصیت با بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت ($P < 0/001$). یافته‌ها حاکی از رگرسیون چندمتغیری نشان داد که 35 درصد از واریانس گرایش به بزهکاری توسط صفات جامعه‌ستیزی (سایکوپات)، ماکیاولیسم و خودشیفتگی تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری: بزهکاری نوجوانان از طریق آموزش خودکنترلی و همدلی با استفاده از رویکردهای مبتنی بر شواهد در تحقیقات مهم و کاربردی باید مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: صفات تاریک شخصیت، بزهکاری، دانش‌آموزان.

دریافت: 1401/05/15

پذیرش: 1401/06/23

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: 67-96

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/entezam.2023.1273029.2495](https://doi.org/10.22034/entezam.2023.1273029.2495)

صبا عباسپور

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران. رایانامه:

Sabaabbaspour71@gmail.com

زهره اعتمادی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران. رایانامه:

Zohreetemadii@gmail.com

عبدالحکیم تیرگری

استادیار گروه روان‌پزشکی و علوم رفتاری، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مازندران، ایران. رایانامه:

Tirgarih@gmail.com

محمدجواد بگیان کوله‌مرزی

دکترای تخصصی روان‌شناسی عمومی، مدرس گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه:

Javadbagiyani@yahoo.com

«نوجوانی» دوره‌ای از ایجاد تغییرات جسمی، شناختی، اجتماعی - عاطفی و یک دوره پویا و هیجانی برای افراد است که شامل افزایش توانایی تفکر؛ شروع بلوغ و تغییر در روابط با خانواده، دوستان، همسالان، مدرسه و اجتماع؛ تغییر نقش‌های خانوادگی و مسئولیت‌ها؛ تلاش در جهت کسب نقش‌های عاطفی و اجتماعی جدید؛ مدیریت تکالیف زندگی بدون وابستگی بیش‌ازحد به افراد دیگر و ایجاد جهت‌گیری جدید برای آینده به‌عنوان بزرگسالان مستقل و مولد می‌شود (رافرتی^۱، 2018، ص 35). یکی از مسائل ناراحت‌کننده در جوامع امروزی که توجه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده، موضوع نوجوانان و جوانان بزهکار است (ژیا، لی و لئو^۲، 8018، ص 771). بزهکاری به رفتارها و اعمالی اطلاق می‌شود که برخلاف قوانین، باورها و ارزش‌های جامعه بوده و توسط افراد زیر هجده سال رخ می‌دهد (وویزین، کیم، باسیت و ماروتا^۳، 2020، ص 140). رفتار بزهکارانه و ضد اجتماعی دامنه وسیعی از اختلال‌های رفتاری را شامل می‌شود که موجب نقض قوانین و حقوق دیگران مانند سرقت، فرار از مدرسه و خانه، دروغ‌گویی، حمل اسلحه، پرخاشگری و خشونت می‌شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۴، 3013). بزهکاری پدیده‌ای در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که بر اساس آمارهای منتشرشده در ایالات متحده آمریکا، در سال 2012 در مقایسه با سال 2002 جرائم دزدی، قلدری و استفاده از اسلحه افزایش یافته است (چوی و کياتانی^۵، 2021، ص 2141). در ایران، آمارهای موجود حاکی از افزایش میزان جرائم و ورود به زندان در سنین بین 12 تا 55 سال است اما آمار دقیقی در این زمینه در دست نیست (مرادی و بشرپور، 1400، ص 3). بزهکاری نوجوانان از دو جنبه از جمله مسائل مهم اجتماعی جامعه ایران به‌شمار می‌آید: اول اینکه بزهکاری در نوجوانی، احتمال رفتار

1- Rafferty

2- Xia, Li & Liu

3- Voisin, Kim, Bassett, & Marotta

4- American Psychiatric Association

5- Chui & Khatani

مجرمانه را در دوران بزرگسالی افزایش می‌دهد؛ دوم اینکه بر اساس اطلاعات خودگزارشی از نوجوانان، میزان واقعی بزهکاری حتی از آمارهای مربوط به دستگیری‌های رسمی نیز بیشتر است (والترز^۱، 2021، ص 199).

یکی از رویکردهای مفید و مؤثر در بررسی رفتار مجرمانه، بررسی ارتباط صفات شخصیت با رفتارهای قانون‌شکنانه است (الشیخ علی^۲، 2021، ص 222). آن دسته از جنبه‌های تاریک شخصیت که در دههٔ اخیر در کانون توجه تجربی و پژوهشی بوده‌اند، شامل صفات سه‌گانهٔ تاریک^۳ می‌شوند که متشکل از سه صفت شخصیتی خودشیفتگی^۴، جامعه‌ستیزی^۵ و ماکیاولیسم^۶ است (تورنبری^۷، 2018، ص 124). اولین مؤلفه از صفات سه‌گانهٔ تاریک شخصیت، خودشیفتگی است که به احساسات مبالغه‌آمیز بزرگ‌منشی، غرور، غرق شدن در خود و محق بودن اشاره دارد. خودشیفتگی در جنبه‌های مختلف عملکرد بین‌فردی تداخل ایجاد می‌کند، چون دیگران از گرایش‌های استثمارگرانه، خودمحوری و بزرگ‌منشی فرد خودشیفته به ستوه می‌آیند (زیگر- هیل و مارکوس^۸، 2016، ص 142) جامعه‌ستیزی، نحس‌ترین صفت در مجموعه صفات سه‌گانهٔ تاریک است (روتمن^۹، 2012، ص 585) و با ویژگی‌هایی مانند تکانشگری، هیجان‌طلبی، سنگ‌دلی، گستاخی و پرخاشگری بین‌فردی مشخص می‌شود (پاتریک، فوولس و گروگر^{۱۰}، 2009، ص 920؛ جونز، پالوف و سالکولفسکی^{۱۱}، 2019، ص 3). سومین مؤلفه صفات سه‌گانهٔ تاریک شخصیت، اصطلاح ماکیاولیسم است که به احترام اندیشه‌های نیکولو ماکیاولی به این نام معروف شده است. ماکیاولیسم منعکس‌کنندهٔ جهت‌گیری

1- Walters

2- Alsheikh Ali

3- Dark triad of personality

4- Narcissism

5- Psychopathy

6- Machiavellianism

7- Thornberry

8- Zeigler-Hill & Marcus

9- Rauthmann

10- Patrick, Fowles & Krueger

11- Johnson, Plouffe, & Saklofske

به‌شدت خودخواهانه‌ای است که فرد تمایل دارد از هر راهی مانند فریب‌کاری، تقلب و بهره‌کشی به اهداف خود برسد (رایت، مورگان، آلمیدا، آلموسید، موگرابی و بشات¹، 2017، ص 192).

درمجموع، شناسایی علل و عوامل مؤثر در بروز رفتار بزهکارانه و ارائه مداخلات پیشگیرانه با محوریت این عوامل می‌تواند در کاهش میزان این رفتارها و عواقب و پیامدهای آن اثرگذار باشد. در تبیین علت و ماهیت بزهکاری به نقش مجموعه‌ای از عوامل زیستی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شده است که در این پژوهش بیان می‌شود توجه به عوامل روان‌شناختی متناسب با تحول به افزایش دانش ما در انحرافات اجتماعی از جمله بزهکاری کمک می‌کند؛ لذا این مطالعه در پی پاسخگویی به این سؤال است که گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان با توجه به صفات تاریک شخصیت قابلیت پیش‌بینی دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

مرادی و بشرپور (1400)، در مطالعه‌ای با عنوان «نقش مدل ترکیبی سرشت‌های عاطفی و هیجانی در پیش‌بینی نگرش‌های منفی به بزهکاری در دانش‌آموزان» به این نتیجه رسیدند که خشم، بازداری و حساسیت از مدل سرشت‌های عاطفی - هیجانی با نگرش منفی به بزهکاری و کنترل رابطه منفی و معنی‌داری دارد. همچنین مقابله با نگرش منفی نسبت به بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. از میان سرشت‌های عاطفی، اضطراب، وسواس، متعادل و هیجان‌زده با نگرش منفی به بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری دارند. همچنین، بی‌تفاوت، ادواری خو، تغییر‌پذیر و سرخوش با نگرش منفی به بزهکاری رابطه منفی و معنی‌داری داشتند. علی‌وردی‌نیا و یونسی (1393)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان» نتایج نشان داد که خودکنترلی دانشجویان در حد متوسط است. شایع‌ترین مواد مصرفی نیز، میان دانشجویان پسر «سیگار» و بین دختران

1- Wright, Morgan, Almeida, Almosaed, Moghrabi, & Bashatah

«قلیان» بوده است. نتایج آزمون تی نشان داد که بین دختران و پسران از حیث مصرف مواد و الکل تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که مصرف مواد و الکل در بین دانشجویان پسر بیشتر از دختران است. در نهایت، مدل معادلات ساختاری نشان داد که تمام مؤلفه‌های خودکنترلی پایین، به جز مؤلفه «ابراز خشم»، می‌توانند تغییرات مصرف مواد و الکل دانشجویان را تبیین کنند.

نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش جواخیشویلی و وازسونی¹ (2022)، با عنوان «همدلی، خودکنترلی، سنگ‌دلی - بی‌احساسی، و بزهکاری»، نشان داد که جامعه‌پذیری مثبت اولیه به‌طور مثبت خودکنترلی و همدلی را پیش‌بینی کرد. همچنین جامعه‌پذیری مثبت اولیه و خودکنترلی سنگ‌دلی - بی‌احساسی بزهکاری را به‌طور منفی پیش‌بینی کرد. هوش به‌طور منحصربه‌فرد و مثبت همدلی را پیش‌بینی کرد. خلق‌وخوی دشوار نوزاد به‌طور غیرمستقیم هر یک از چهار صفت را از طریق اجتماعی‌شدن مثبت اولیه پیش‌بینی کرد. الشیخ‌علی (2021)، در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی بزهکاری توسط سه‌گانه تاریک و متغیرهای جمعیت‌شناختی» به این نتیجه دست یافت که ماکیاولیسم با افزایش سطح بزهکاری افزایش می‌یابد. خودشیفتگی در بین گروه‌های بزهکار متوسط در مقایسه با گروه غیر بزهکار بالا بود. جامعه‌ستیزی در گروه با بزهکاری بالا در مقایسه با سایر گروه‌ها بیشتر بود. جیانگ، چن و زو² (2020)، در پژوهشی با عنوان «خودکنترلی، محیط بیرونی و بزهکاری: آزمونی از نظریه خودکنترلی» نتایج نشان داد که خودکنترلی یک پیش‌بینی‌کننده مهم رفتار بزهکارانه در یک زمینه فرهنگی غیر غربی است. با این حال، برخی از عوامل محیطی که ریشه در خانواده، مدرسه و گروه‌های همسالان دارند نیز پیش‌بینی‌کننده رفتار بزهکارانه هستند، و به نظر می‌رسد که قدرت این عوامل از خودکنترلی بیشتر است. رایت و همکاران (7017)، در پژوهشی با عنوان «خودکنترلی، سه‌گانه تاریک و رفتارهای مجرمانه» نتایج نشان داد که تعامل بین سه‌گانه تاریک و خودکنترلی پایین در مدل پایه قابل پیش‌بینی است. همچنین نتایج نشان داد که خودکنترلی

1- Javakhishvili, & Vazsonyi

2- Jiang, Chen & Zhuo

پایین تأثیرات سه‌گانه تاریک را بر بزهکاری تقویت می‌کند.

در یک جمع‌بندی می‌توان بیان کرد با توجه به رویکرد چندبُعدی به بزهکاری نوجوانان، توجه به ابعاد زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی و نقش متغیرهای روان‌شناختی از جمله صفات تاریک شخصیت است که در مطالعات داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته و این در حالی است که این سه‌گانه بیشتر بر افرادی دلالت می‌کند که در کودکی، برای مدتی تحت شرایط استرس‌زا بوده‌اند، مکانیسم‌های مقابله‌ای ضعیفی دارند و یا ناتوانی رشدی داشته‌اند. شناسایی رفتارهایی مرتبط با هر کدام از این سه بُعد می‌تواند اطلاعات فوق‌العاده گران‌بهایی را هنگامی که با یک دانش‌آموز با رفتارهای بزهکارانه کار می‌کنیم فراهم آورد. انجام این مطالعه از آن جهت که منجر به آگاهی از پیشایندهای گرایش به بزهکاری در نوجوانان می‌شود و دانش نظری ما را در خصوص رفتارهای بزهکارانه افزایش می‌دهد و همچنین از این حیث که می‌توان با کمک آن، مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی را متناسب با پیشایندهای ناشی از آن متناسب با دوره تحولی نوجوانان به کار بست، بدیع است و تازگی دارد. از سوی دیگر، این اولین مطالعه توصیفی در خصوص پیشایندهای روان‌شناختی بزهکاری در نوجوانان با توجه به ابعاد روان‌شناختی است و با آگاهی‌بخشی به مسئولان و پژوهشگران حوزه رفتارهای مجرمانه زمینه را برای مطالعات بیشتر در حوزه بزهکاری می‌تواند افزایش دهد.

مفهوم بزهکاری

جرم یا بزه (معین، 1375، ص 1225) هرگونه رفتار یا ترک رفتاری است که قانون را نقض می‌کند و برای آن در قانون، مجازات مشخصی تعیین شده است. جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است. (به نقل از فرزانه، ملانیا جلودار و زمانی‌راد، 1394، ص 75) اهمیت نسبی جرائم مختلف و شیوه کیفر دادن فعالیت‌های مجرمانه، در طول تاریخ و در جوامع مختلف، متفاوت بوده است. جرم و جنایت و بزهکاری از مفاهیم کلیدی در حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جنایی هستند. در جرم‌شناسی پدیده‌های بزه، بزهکار و بزهکاری، به‌عنوان سه رکن اصلی در نظر گرفته می‌شوند؛ بنابراین در ادامه، کوشش می‌شود

که برای هر کدام از این ارکان، تعریفی ارائه شود. هر عملی که در جامعه، قوانین را نقض کند و مجازات در پی داشته باشد، «بزه» نامیده می‌شود (اکبری، 1391، ص 22). هر جرمی که اتفاق می‌افتد، دارای علل سازنده‌ای است که بر روی فرد اثر می‌گذارد و او را به‌سوی ناسازگاری و نابهنجاری اجتماعی سوق می‌دهد. پیامد این سوق دادن‌ها، ارتکاب خطا است و خاطی را به یک تعبیر «بزهکار» می‌نامند. «بزهکاری»، مجموعه‌ای از جرائمی است که در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد (روپیکر، 1391، ص 31). بزهکاری، یک میکروب اجتماعی است. این میکروب در محیطی که آمادگی پروراندن تبه‌کار نداشته باشد، بروز نکرده و به‌تبع آن، جرمی نیز اتفاق نمی‌افتد. در ایران نیز بزهکاری به کل جرائمی گفته می‌شود که در صورت ارتکاب به‌موجب قوانین قصاص، دیات، حدود و تعزیرات دارای مجازات هستند. قربانی یا بزه‌دیده کسی است که بر او جنایت رفته است. در واقع، کسی است که جرم یا بزه به ضرر او واقع شده است. فرهنگستان ایران در سال 1317 هجری شمسی واژه «بزه» را به‌جای «جرم» و «بزهکار» را به‌جای «مجرم» و در سال 1320 واژه «بزه‌دیده» را به‌جای «مجنیّ علیه» برگزید (احمدوند، نظری و مرتضوی، 1399، ص 467). در ادامه، دو نظریه کنترل بزهکاری و فشار جامعه‌شناسی - روان‌شناختی توضیح داده شده است.

نظریه کنترل بزهکاری

با آنکه نظریه کنترل بزهکاری هیرشی از دیدگاه تشتت اجتماعی سرچشمه گرفته بود، ولی کم‌اقبالی این نظریه در آن زمان موجب شد که او از اشاره به آن به‌صورت صریح حذر داشته باشد. نظریه کنترل بزهکاری، برخلاف نظریات معاصران هیرشی که بیشتر ماهیت روان‌شناختی داشتند، عمدتاً یک نظریه جامعه‌شناختی است (لیلی^۱، 1555، ص 55؛ گاتفردسون^۲، 5005، 100-71). در حقیقت، وی دقت زیادی به خرج داده است که نارسایی دیگر نظریات معاصر را قبل از معرفی نظریه خود درزمینه بزهکاری توضیح دهد. وی به‌جای آنکه بر شخصیت فرد به‌عنوان منبع رفتار مجرمانه تکیه کند، روی نقش روابط اجتماعی

1- Layla

2- Gottfredson

تمرکز کرد که به آن‌ها «پیوندها و غلقه‌های اجتماعی» می‌گفت (هیرشی^۱، 1999، ص 16). او در اینجا عمدتاً بر پیوندها و مؤسسات اجتماعی تمرکز کرده است، و نه بر فرد و کنترل خود، که البته بعدها دیدگاهش در نظریه خودکنترلی جرم در ۱۹۹۰ به سوی آن متمایل شد. نظریه کنترل بزهکاری مبتنی بر این فرض است که اعمال بزهکارانه زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند یا اتصال فرد با جامعه ضعیف یا شکسته می‌شود. هیرشی معتقد بود که برای بزهکار شدن فرد نیازی به عوامل انگیزشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز، فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می‌دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه‌های آن عمل بزهکارانه سبک‌سنگین کند. دیدگاه ارائه‌شده هیرشی دایر بر اینکه چرا افراد با هنجارهای اجتماعی، انطباق یا انحراف {اصطکاک} پیدا می‌کنند، مشتمل بر چهار متغیر است: وابستگی، تعهد، درگیر بودن، و اعتقاد. منظور هیرشی (1999، ص 18) از وابستگی، میزان وابستگی فرد به دیگران است؛ به تدریج که فرد به دیگران وابسته می‌شود، احتمال بزهکار شدن او بسیار کمتر می‌شود. نخستین وابستگی‌ها و تعاملات با والدین است، و به دنبال آن وابستگی به هم‌قطاران، معلمان، رهبران مذهبی و سایر اعضای جامعه بروز می‌کند. هیرشی (1999، ص 17) مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی‌سازی ترجیح می‌دهد؛ زیرا وابستگی را می‌توان مستقل از رفتار انحراف‌آمیز اندازه‌گیری کرد، ولی درونی‌سازی را نمی‌توان به این صورت مورد سنجش قرار داد. تعهد، «جزء عقلانی در رعایت هنجارها» است (هیرشی، 1999، ص 20). به‌طور کلی، مفهوم آن ترس از رفتار قانون‌شکنانه است. وقتی که فرد به فکر انجام رفتار منحرفانه یا مجرمانه می‌افتد، باید خطرات از دست‌دادن سرمایه‌گذاری قبلی خود در زمینه رفتار متعارف را در نظر بگیرد. در صورتی که فرد توانسته باشد آوازه مثبتی از خود بر جای بگذارد، تحصیلات ارزشمندی به دست آورد، خانواده حمایت‌کننده‌ای به وجود آورد و/یا اعتبار و شهرتی در دنیای تجارت به هم بزند، با نقض قانون ضرر هنگفتی را متحمل خواهد شد (هیرشی، 1999، ص 166)، مجموعه‌های اجتماعی که فرد در سرتاسر عمر خود انباشت می‌کند، نشان‌دهنده ضمانت به جامعه است که این فرد به ارزش‌های متعارف، متعهد است. او با نقض

قانون چیزهای بیشتری را از دست می‌دهد. نه تنها فرد با چیزهایی که به دست آمده است، به رعایت هنجارها متعهد می‌شود، بلکه حتی امید به دست آوردن دارایی به طرق متعارف می‌تواند تعهد فرد را به پیوندهای اجتماعی تقویت کند (هیرشی، 1999، ص 166). دخالت در فعالیت‌های متعارف بیانگر ویژگی درگیر بودن است. هیرشی معتقد است که وقتی فرد درگیر فعالیت‌های متعارف باشد، وقتش به قدری گرفته می‌شود که نمی‌تواند به رفتار انحراف‌آمیز کشیده شود. این تفکر که «دست بیکار، کارگاه شیطان است» در واقع دلیل اصلی این گفته هیرشی است (2004، ص 222) که می‌گوید: «کودکی که پینگ‌پونگ بازی می‌کند، در استخر عمومی شنا می‌کند، یا تکلیفش را انجام می‌دهد، دست به اعمال بزهکارانه نمی‌زند». هیرشی معتقد بود که چنین فردی کمتر فرصت انحراف پیدا می‌کند. این یکی از منابع عمده انتقادات است؛ زیرا به طوری که بعداً خواهیم دید، مجرمان یقه‌سفید به خاطر همین که در کار درگیر هستند، فرصت جرم پیدا می‌کنند. مفهوم درگیری سرچشمه برنامه‌هایی با تمرکز بر فعالیت‌های تفریحی مثبت برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان بوده است. ویژگی اعتقاد، به وجود یک سیستم ارزشی مشترک در جامعه‌ای که هنجارهایش نقض می‌شوند، اشاره دارد (هیرشی و گانفردسون، 2000، ص 55). نظرات و تصوراتی که وابسته به تقویت مداوم اجتماعی هستند، مشتمل بر اعتقاد هستند (لیلی 1555، ص 101؛ گانفردسون، 5005، ص 71). احتمال اینکه یک فرد هنجارهای اجتماعی را رعایت کند، اگر به آن‌ها اعتقاد داشته باشد، بیشتر است. هیرشی معتقد بود که افراد از نظر عمق و میزان اعتقاد با یکدیگر تفاوت دارند، و این تغییرات بستگی به میزان وابستگی به سیستم‌هایی دارد که نشان‌دهنده اعتقادات مورد نظر هستند.

نظریه فشار جامعه‌شناختی - روان‌شناختی

یکی از نظریه‌پردازانی که نظریه مرتن¹ را بسط داد، رابرت آگنیو² (1980) بود. آگنیو می‌گوید هیچ تعریف متفق‌القولی در مورد نظریه روان‌شناختی جامعه‌شناختی فشار وجود ندارد؛ با این حال دو مشخصه برای این نظریه می‌توان

1- Merton

2- Agnew

برشمرد. نخست، نظریه فشار می‌گوید که بزهکاری هنگامی رخ می‌دهد که افراد نمی‌توانند آنچه را می‌خواهند از طریق مجاری مشروع به‌دست آورند. دومین مشخصه نظریه فشار نیز آن است که خواسته‌های برآورده‌نشده، فشاری بر فرد در جهت بزهکاری وارد می‌کند. به اعتقاد آگنیو (1992، ص 49) گسستگی بین آرزوها و انتظارات در بیشتر مواقع منشأ عمده خشم / ناکامی نیست؛ زیرا آرزوها به اهداف آرمانی اشاره دارند و شکست در دستیابی به این اهداف خیلی جدی گرفته نمی‌شود. به‌علاوه، داده‌ها نشان می‌دهند که مردم تمایل دارند اهداف متنوعی را دنبال کنند و بیشترین اهمیت را به آن اهدافی می‌دهند که به بهترین نحو قابل دستیابی هستند و در مورد سطوح فعلی و مورد انتظار دستیابی به هدف خود، اغراق یا آنان را تحریف می‌کنند. از آنجاکه هیچ‌کس انتظار ندارد در همه زمینه‌ها موفق باشد و به اهدافش دست یافته باشد، همین امر برای جلوگیری از فشار کافی است. علاوه بر این، افراد گاهی اوقات خود را به خاطر عدم دستیابی، ملامت می‌کنند و آن را ناشی از ناتوانی خود می‌دانند و همین امر نیز مانع خشم / ناکامی یا فشار می‌شود؛ بنابراین، شکاف و گسستگی بین آرزوها و انتظارات تنها در برخی موقعیت‌های خاص منشأ فشار است؛ موقعیت‌هایی که در آنان محیط اجتماعی تمرکز بر یک یا چند هدف محدود و خاص را ترویج می‌کند. موقعیت‌هایی که در آن‌ها بازخورد بیرونی که توسط دیگران به فرد داده می‌شود به‌قدری مکرر و صادقانه است که مانع از آن می‌شود که افراد در مورد میزان دستیابی به اهداف خود اغراق کنند و درواقع احساس ناکامی به آنان دست دهد. به نظر آگنیو (2006، ص 122) غیر از گسستگی بین آرزوها و انتظارات، سرچشمه‌های بسیاری برای فشار وجود دارد. او معتقد بود بزرگسالان نه‌تنها به دنبال آن هستند که به‌صورت مثبت به اهداف ارزشمند دست یابند، بلکه می‌کوشند تا از موقعیت‌های رنج‌آور یا مورد تنفر نیز اجتناب کنند. با این‌همه، نظیر تلاش برای هدف‌جویی، تلاش برای اجتناب از موقعیت‌هایی که ممکن است رنج‌آور باشند نیز ممکن است مسدود شود؛ برای مثال، بزرگسالانی که مورد تعرض جنسی والدین یا معلمان خود قرار می‌گیرند ممکن است نتوانند به‌صورت قانونی از خانه و مدرسه بگریزند. ناتوانی از گریز از موقعیت‌های رنج‌آور یا انسداد رفتار اجتناب از رنج

می تواند منشأ مهم دیگری برای فشار باشد. به اعتقاد آگنیو، بزهکاری ممکن است روشی برای کاهش فشار باشد؛ یعنی برای دستیابی به اهداف دارای ارزش مثبت، برای حفظ یا تقویت محرک‌های مثبت یا برای پایان بخشیدن یا فرار از محرک‌های منفی. البته بزهکاری ممکن است برای لذت‌جویی یا هنگامی رخ دهد که بزرگسالان درصدد اداره کردن حالات عاطفی منفی خود از طریق مصرف مواد مخدر باشند، (کوثری، 1382، ص 25). به‌طور کلی، روح نظریه فشار روانی - اجتماعی این پرسش را مطرح می‌کند که «چگونه افراد راه‌هایی را می‌یابند که فشار وارده به خود را کاهش دهند؟» پس نظیر مرتن، به‌جای آنکه پرسیده شود: «چرا افراد منحرف می‌شوند؟»، باید پرسید: «چه طور می‌شود که افراد راه‌هایی برای پرهیز از انحراف می‌یابند؟» (یالماز و کوکا¹، 2015، ص 170).

صفات تاریک شخصیت

شخصیت به‌عنوان سازمان پویای درون‌فردی تعریف شده که تعیین‌کننده سازگاری منحصربه‌فرد افراد با محیط زیست‌شان است. در واقع شخصیت به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتار و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره است که با ویژگی‌های بی‌همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیش‌بینی مشخص می‌شود. به نظر می‌رسد گوردن آلپورت²، بهترین تعریف را در مورد شخصیت ارائه داده است. او اشاره می‌کند، شخصیت، سازمان‌بندی پویایی در درون فرد است و شامل آن دسته از نظام‌های روانی - فیزیکی است که رفتار و تفکر او را تعیین می‌کند (به نقل از گرامر³، 8018، ص 11).

خودشیفتگی

اولین مؤلفه از صفات سه‌گانه تاریک شخصیت، خودشیفتگی است. خودشیفتگی یکی از مفاهیم قدیمی در روان‌شناسی به‌ویژه مکتب روان‌تحلیل‌گری است که هم به‌عنوان نوعی اختلال بالینی و هم به‌عنوان صفت شخصیتی در سطح غیربالینی موضوع مورد تحقیق در ادبیات پژوهشی است.

1- Yilmaz & Koca

2- Gordon Willard Allport

3- Kramer

خودشیفتگی یک ویژگی جهت‌مند است که به احساسات مبالغه‌آمیز بزرگ‌منشی، غرور، غرق‌شدن در خود، حس بزرگی از خود ارزشمندی و محق‌بودن و تسلط و برتری اشاره دارد. خودشیفتگی در جنبه‌های مختلف عملکرد بین‌فردی تداخل ایجاد می‌کند، چون دیگران از گرایش‌های استثمارگرانه، خودمحوری و بزرگ‌منشی فرد خودشیفته به ستوه می‌آیند (بادر، هارتانگ، هیل بیگ، زیتلر، موشگن و ویلهلم^۱، 2021، ص 555). این افراد به‌منظور سیراب‌کردن وجودشان بیش‌ازحد نیاز به تأیید و تحسین دیگران دارند اما در نهایت آسیب‌پذیرند و از جانب دیگران طرد می‌شوند. پیامدهای مثبت خودشیفتگی مرتبط با بهزیستی روان‌شناسی شامل عزت‌نفس بالا، بهبود عملکرد در جمع و برون‌گرایی است. از طرفی، این مفهوم دارای برخی پیامدهای منفی از جمله اطمینان افراطی به خود و فقدان همدلی نیز است (پاترسون، دی بریش و رمزی^۲، 7017، ص 330).

جامعه‌ستیزی

جامعه‌ستیزی، نحس‌ترین صفت در مجموعه صفات سه‌گانه تاریک است و با ویژگی‌هایی مانند تکانشگری، هیجان‌طلبی، سنگ‌دلی، گستاخی و پرخاشگری بین‌فردی مشخص می‌شود (فوستر، برنتلی، کرن، گوتز، سلاگل و زوب^۳، 8018، ص 115). شخصیت جامعه‌ستیز دارای دو شکل اولیه و ثانویه است. در شکل اولیه، این شخصیت دارای نقص عاطفی ارثی است و با ویژگی‌هایی مانند خودخواهی، بی‌رحمی، فقدان عاطفه بین شخصی، جذابیت سطحی، ستمگری و استثمار دیگران مشخص می‌شود. در شکل ثانویه، که نتیجه عواملی مانند طرد یا بدرفتاری والدین است، فرد دچار آشفتگی عاطفی می‌باشد که با خصوصیات مثل سبک زندگی جامعه‌ستیز و خصومت همراه است. اختلال جامعه‌ستیزی برای مدت طولانی عامل خطر مهمی در پیش‌بینی رفتارهای مجرمانه و حبس در نظر گرفته شده و به‌طور معنادار در مجرمان زندانی مشاهده شده است (بادر و همکاران،

1- Bader, Hartung, Hilbig, Zettler, Moshagen & Wilhelm

2- Patterson, DeBaryshe & Ramsey

3- Foster, Brantley, Kern, Kotze, Slagel & Szabo

2021، ص 511). از ویژگی‌های بسیار مهمی که بر روی شخصیت‌های جامعه‌ستیز مورد مطالعه قرار گرفته است، فقدان همدلی و همدردی در آنان است؛ چنان‌که این افراد توانایی درک اعمال، احساسات و هیجانات دیگران را ندارند. بعضی از نظریه‌ها یا به عبارتی تلفیقی از نظریه‌های رفتاری - روان تحلیل‌گری توجه خویش را به اجتماعی‌شدن این افراد در کودکی مبذول داشته و نظریه اجتماعی-شدن از راه خشونت را مطرح می‌کنند (فلکسون، میلدروم، یونگ و لی مان^۱، 6016، ص 160).

ماکیاولیسم

سومین مؤلفه صفات سه‌گانه تاریک شخصیت، اصطلاح ماکیاولیسم است که به احترام اندیشه‌های نیکولو ماکیاولی به این نام معروف شده است. ماکیاولیسم منعکس‌کننده جهت‌گیری به‌شدت خودخواهانه‌ای است که فرد تمایل دارد از هر راهی مانند فریبکاری، تقلب و بهره‌کشی به اهداف خود برسد (پیسانو، موراتوری، جورجا، لوانتینی، اولیانو، گاتون و ماسی^۲، 7017، ص 84). ماکیاولیسم بیان‌کننده بهره‌کشی از دیگران در جهت منافع خود از طریق اتخاذ سبک بین‌فردی ناسازگارانه و همچنین رفتارهای برتری طلبانه، عدم صمیمیت و سنگ‌دلی است و افرادی که نمرات بالایی در ماکیاولیسم دارند، گرایش به فریب دیگران دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که سطح بالایی از ویژگی‌های ماکیاولی با انگیزه بیشتر در گرایش به رفتارهای انحرافی و ادراک مجازات کمتر برای آن فعالیت‌ها همراه است. جامعه‌ستیزی یک اختلال شخصیتی است که فقدان همدلی با دیگران و عدم ندامت از گناه یا اشتباه از مشخصه‌های اصلی آن در تشخیص می‌باشد (دیبسکا، دیبسکا، پولچونسکی، روزپارا و تومیگ^۳، 2021، ص 4115).

روش

بژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است.

1- Flexon, Meldrum, Young & Lehmann

2- Pisano, Muratori, Gorga, Levantini, Iuliano, Catone & Masi

3- bbb sk,, bbb sk Pohhhłóńsk Roppr & Tomkk

جامعه آماری این پژوهش را همه نوجوانان 13 تا 17 ساله شهرستان نورآباد (دلفان) که در سال تحصیلی 1401 تشکیل می‌دهند. در این پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای 400 نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه انتخاب شدند؛ بدین صورت که در ابتدا از بین چهار جهت جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق و غرب) دو جهت شمال و جنوب انتخاب شدند. در ادامه، ضمن دریافت مجوزهای لازم از آموزش و پرورش شهرستان نورآباد (دلفان) از هر جهت دو مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد (کل مدارس انتخاب شده 4 مدرسه و از هر مدرسه نیز با هماهنگی دبیران و اشتراک پرسش‌نامه آنلاین / برخط در گروه کلاسی خود 100 دانش‌آموز بود). ضمن دسترسی به مدارس با هماهنگی و کسب مجوزهای لازم از مسئولان از مدیران و دبیران درخواست شد تا لینک پرسش‌نامه آنلاین / برخط را در کلاس خود به اشتراک بگذارند. ملاک‌های ورود شامل رضایت آگاهانه، دامنه سنی 12 تا 17 سال همچنین ملاک‌های خروج شامل بی‌میلی شرکت در پژوهش و سابقه مصرف مواد (بر اساس پرونده دانش‌آموزان) بود. در این پژوهش بر اساس فرمول سوپر (2023) برای محاسبه حجم نمونه در رگرسیون چندمتغیری با اندازه اثر¹ 0/15، توان آزمون² 0/80، تعداد متغیرهای پیش‌بین³ 3 و میزان خطای 0/05 حجم نمونه 76 نفر برآورد شد؛ که در این پژوهش 400 داده جمع‌آوری شد و در نهایت با خروج پرسش‌نامه‌های بدون پاسخ، 370 داده قابلیت ورود به تحلیل نهایی را داشتند. برای جمع‌آوری داده‌های از پرسش‌نامه سه‌گانه تاریک شخصیت (جونز و پائولوس، 1111)، فرم انطباق‌یافته بزهکاری نوجوانان پیچرو، هوگتون، سیمونز و کارلو⁴ (9999) استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده در دو سطح توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیری به روش ورود (هم‌زمان) با استفاده از نرم‌افزار SPSS.26 مورد تحلیل قرار گرفتند.

1- Anticipated effect size

2- Desired statistical power level

3- Number of predictors

4- Pechorro, Houghton, Simões, & Carroll

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

جدول 1. سن و مقطع تحصیلی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مطالعه

سن		ترتیب تولد	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
21/22	80	77/02	100
17/66	55	34/43	120
77/02	100	21/22	80
18/91	70	10/81	40
14/66	55	8/10	30

جدول 2. میانگین (و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	چولگی	کشیدگی
ماکیاولیسم	18/12	5/41	1/55	2/22
خودشیفتگی	19/66	6/66	1/33	2/77
جامعه‌ستیزی	17/41	4/41	1/20	2/08
صفات تاریک شخصیت	54/99	12/33	1/22	3/12
دزدی و سرقت	12/41	2/44	0/808	-0/109
تخلفات مرتبط با وسایل نقلیه موتوری	11/55	2/43	0/466	-0/777
جرایم مرتبط با مواد مخدر	15/66	4/55	0/999	0/499
تجاوز	9/14	2/33	0/024	-0/333
تخریب‌گرایی	16/66	4/88	1/041	0/154
جرایم مرتبط با مدرسه	9/14	2/66	0/488	-0/888
بی‌نظمی عمومی	10/41	3/66	0/188	-0/904
بزهکاری	77/77	15/99	1/044	0/122

فرض نرمال بودن داده‌ها بر اساس دیدگاه کلاین (6666) با استفاده از آماره چولگی^۱ و کشیدگی^۲ بررسی شد. با توجه به نتایج، تخطی از مفروضه نرمال بودن در داده‌های پژوهش حاضر قابل مشاهده نیست (جدول 1). نتایج حاصل از نمودار جعبه‌ای^۳ برای بررسی مفروضه داده‌های پرت نشان داد که از بین 400 داده جمع‌آوری شده، 380 داده وارد تحلیل شد. از 380 پرسش‌نامه‌ای که

- 1- Skewness
- 2- Kurtosis
- 3- Boxplot

ملاک ورود را داشتند، پنج داده در کرانه بالا و پنج داده در کرانه پایین قرار داشتند که در نهایت این 10 داده حذف شدند و تحلیل نهایی بر روی 370 پرسشنامه انجام شد. برای بررسی روابط خطی بین متغیرها از روش ترسیم نمودار پراکندگی¹ استفاده شد؛ نتایج حاصل از نمودار پراکندگی نشان داد که رابطه بین متغیرها خطی است. برای بررسی نبود همخطی چندگانه از آماره تحمل² و عامل افزایش واریانس³ (VIF) استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر، آماره‌های تحمل و عامل افزایش واریانس برای هیچ‌کدام از متغیرها به ترتیب از 0/1 کوچک‌تر و از 00 بزرگ‌تر نبود؛ بنابراین، همخطی چندگانه در بین متغیرهای پیش‌بین مشاهده نشد. نتایج حاصل از آزمون دوربین واتسون⁴ (DW) روشی برای تشخیص همبستگی در باقی‌مانده‌های تحلیل مدل رگرسیونی نشان داد که دامنه نمرات این آزمون بین 1 تا 2/11 بود؛ بنابراین، مفروضه استقلال داده‌ها به درستی رعایت شده است.

یافته‌های استنباطی

جدول 3. ماتریس ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش

1	2	11	00	9	8	7	6	5	4	3	2	1	متغیر					
												1	1 ماکیاولیسم					
											1	0/51 *	2 خودشیفتگی					
										1	0/64 *	0/48 *	3 جامعه‌ستیزی					
										1	0/69 *	0/76 *	0/72 *	4 صفات تاریک				
										1	0/69 *	0/49 *	0/42 *	5 دزدی و سرقت				
										1	0/54 *	0/50 *	0/51 *	0/39 *	0/38 *	6 تخلفات مرتبط با موتور		
										1	0/44 *	0/50 *	0/46 *	0/66 *	0/47 *	0/41 *	7 جرائم مرتبط با مواد	
										1	0/42	0/39	0/48	0/48	0/44	0/44	0/39	8 تجاوز

1- Scatter plot

2- Tolerance

3- Variance Inflation Factor (VIF)

4- Durbin-Watson

متغیر	1	2	3	4	5	6	7	8	9	00	11	1
9 تخریب‌گرایی	*											
1 جرائم مرتبط با مدرسه	0/46	*										
1 بی‌نظمی عمومی	0/40	0/40	*									
12 بزهکاری	0/42	0/39	0/46	*								

همان‌طور که در جدول 3 مشاهده می‌شود، بین صفات تاریک شخصیت با بزهکاری ($r=0/11, P \leq 0/111$) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

جدول 4. ضریب رگرسیونی صفات تاریک شخصیت با گرایش به بزهکاری

P	SD	Rdj	R ²	R	صفات تاریک شخصیت
P<0/001	3/51	0/352	0/357	0/597	
P	F	MS	DF	SS	مدل
		834/151	3	2502/454	رگرسیون
P<0/001	67/698	12/322	366	4509/694	باقی‌مانده
			369	7012/148	کل

همان‌گونه که در جدول 4 مشاهده می‌شود، پس از اجرای رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان، مقدار R^2 به دست آمده نشان داد که 55 درصد از واریانس کل گرایش به بزهکاری توسط متغیرهای وارد شده در مدل، تبیین گردیده است. بدین دلیل لارسون و فاربر¹ (5555) معتقد است که مقادیر $R \geq 0/00$ (یعنی $R^2 \geq 0/55$) بیانگر ارتباط بسیار قوی بین متغیرهای مورد مطالعه است. در این مطالعه نیز $R^2 = 0/55$ بود که حاکی از ارتباط چندمتغیره قوی بین متغیرهای پیش‌بین و گرایش به بزهکاری است. تحلیل واریانس روی همین مدل نیز حاکی از معنی‌داری مدل کلی بود: ($F_{(3,666)} = 77/888, P \leq 0/111$) مقدار دوربین - واتسون نیز برابر با 1/444 است که بیان‌کننده استقلال متغیرها از یکدیگر می‌باشند.

جدول 5. ضرایب استاندارد و غیر استاندارد رگرسیون چندمتغیری

1- Larson & Farber

هم خطی چندگانه		P	t	ضریب	ضریب رگرسیون		متغیرهای پیش‌بین
VIF	تلورنس			رگرسیون استاندارد شده	استاندارد نشده	Std	
-	-	$P \leq 0/001$	5/528	-	0/760	4/200	عدد ثابت
1/856	0/539	$P \leq 0/001$	5/623	0/321	0/023	0/128	جامعه‌ستیزی
1/859	0/538	$P \leq 0/001$	4/848	0/238	0/046	0/223	ماکیاولیسم
1/370	0/730	$P \leq 0/007$	2/731	0/156	0/016	0/043	خودشیفتگی

برای تعیین تأثیر هر یک از مؤلفه‌های جامعه‌ستیزی، ماکیاولیسم و خودشیفتگی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و گرایش به رفتارهای بزهکارانه به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش هم‌زمان تحلیل شدند. نتایج جدول 4 نشان می‌دهد که وقتی مؤلفه‌های جامعه‌ستیزی وارد مدل شدند، مدل کلی 55 درصد واریانس متغیر گرایش به رفتارهای بزهکارانه را تبیین کرد. با توجه به مقادیر بتا جامعه‌ستیزی با مقادیر بتا ($\beta=0/111$)، ماکیاولیسم با ضریب بتا ($\beta=0/888$) و خودشیفتگی با ضریب بتا ($\beta=0/666$) به‌عنوان قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان می‌باشند. همچنین با توجه به نتایج جدول 5 مقادیر آماره تحمل برای همه متغیرهای پیش‌بین پژوهش از $0/1$ بزرگ‌تر و مقادیر آماره عامل افزایش واریانس نیز برای همه آن‌ها از 4 کوچک‌تر است؛ بنابراین، مطابق با معیارهای دیدگاه کلاین (6666) در این پژوهش هم‌خطی چندگانه مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان با توجه به صفات تاریک شخصیت بود. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه اول (به نظر می‌رسد بین صفت شخصیتی ماکیاولیسم ارتباط مثبت و معنی‌داری با گرایش به رفتارهای بزهکارانه وجود دارد). ضریب همبستگی به‌دست‌آمده نیز نشان‌دهنده ارتباط مثبت و مستقیم بین دو متغیر صفت شخصیت ماکیاولیسم و گرایش به رفتارهای بزهکارانه بوده است؛ بدین‌صورت که با افزایش صفت شخصیت ماکیاولیسم میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه نیز افزایش خواهد

یافت. نتایج و یافته‌های حاصل از این فرضیه با نتایج تحقیقات مرادی و بشرپور (1400)، جواخیشوبلی و وازسونی (2022) و الشیخ علی (2021) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان بیان کرد، افراد ماکیاول‌گرا به کمترین معیارهای اخلاقی پایبند هستند و مطابق خودگزارشی‌ها تمایل زیادی به رفتارهای غیراخلاقی نظیر دروغ‌گویی‌های مکرر دارند. درواقع، صفت شخصیت ماکیاولیسم با بروز رفتارهای مجرمانی در ارتباط است (الشیخ علی، 1111) این ارتباط نشان‌دهنده آن است که عوامل دخیل در رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه با صفات شخصیتی که برگرفته از الگوهای زیستی و اکتسابی است مرتبط هستند. درواقع، دیدگاه بدبینانه این گروه نسبت به ذات بشر است. بدبینی نسبت به دیگران موجب بی‌اعتمادی شده و اخلاقیات بین‌فردی را کم‌رنگ می‌کند، در نتیجه شخصی با این صفت به راحتی می‌تواند برای فریب و کنترل دیگران برنامه‌ریزی کند، بدون اینکه احساس شرم یا گناه داشته باشد. این طرز تفکر ارزشمندی انسان‌ها را زیر سؤال می‌برد و زمانی که با خودمحوری، استثمارگری و فریبکاری همراه شود، زمینه را برای بروز جرم و آسیب رساندن به دیگران فراهم می‌کند. افراد دارای این صفت اعتقاد دارند دنیا و اطرافیان به شکل روشن و آشکار ضعیف، غیرقابل‌اعتماد، آسیب‌پذیر و متغیر هستند و هنگام انتخاب و تصمیم‌گیری بر بنیاد این اعتقاد عمل می‌کنند. این سبک فکری آن‌ها را به سوی تبعیض، خودمحوری و دنبال کردن اهداف شخصی سوق می‌دهد، چون به نظرشان در این بافت تنها افراد قوی هستند که استحقاق رسیدن به اهداف و خواسته‌هایشان را دارند؛ بنابراین، مجاز به استفاده از دیگران برای رسیدن به اهداف خویش می‌باشند؛ افراد با صفت ماکیاولیستی به دلیل داشتن چشم‌انداز بلندمدت، حساسیت رشدیافته نسبت به نشانه‌های محیطی، دروغ‌گویی ماهرانه، توان چاپلوسی و خودشیرینی و کارکردهای اجرایی سالم در زندگی روزمره موفق هستند؛ زیرا زمانی دست به ارتکاب بزه و جرم می‌زنند که کمترین احتمال کشف آن می‌رود.

نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه دوم (به نظر می‌رسد بین صفت شخصیتی جامعه‌ستیزی ارتباط مثبت و معنی‌داری با گرایش به رفتارهای بزهکارانه وجود دارد). ضریب همبستگی به‌دست‌آمده نیز نشان‌دهنده ارتباط مثبت و مستقیم بین دو متغیر صفت شخصیت جامعه‌ستیزی و گرایش به رفتارهای بزهکارانه بوده است؛ بدین‌صورت که با افزایش صفت شخصیت جامعه‌ستیزی میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه نیز افزایش خواهد یافت. این نتایج با مطالعات جواخیش‌ویلی و وازسونی (2022)، جیانگ و همکاران (2020) و رایست و همکاران (7017) همخوانی دارد.

در توجیه این یافته‌ها می‌توان به ویژگی‌های بنیادین این نوع صفت شخصیتی (جامعه‌ستیزی) اشاره کرد. محققان از رویکردهای گوناگون به سبب‌شناسی جرم در افراد جامعه‌ستیز پرداخته‌اند؛ به‌عنوان مثال، مطالعات مبتنی بر رویکردهای زیست‌شناختی و عصب‌شناختی در مقایسه این گروه با گروه‌های غیرمجرم دریافته‌اند گروه مجرم در بخش‌هایی از مغز که به پردازش و تنظیم عواطف و رفتار عاطفی (مانند آمیگدالا و سیستیم لیمبیک) اختصاص دارد، دچار کاستی و بدکارکردی هستند. درواقع، «خودمحوری بی‌حد و حصر و میل و فشار شدید برای تخریب» هر دوی این ویژگی‌ها با عدم دلبستگی هیجانی به دیگران و فقدان عشق مشخص می‌شوند که در سطح رفتاری با پرخاشگری بی‌رحمانه و انجام اعمال مجرمانه و ناهنجار بروز می‌کند. از این منظر، این افراد در درون‌سازی هنجارها و قوانین اخلاقی به‌دلیل فقدان دلبستگی، نقص در نقش‌گیری از والدین و سبک تربیتی سهل‌گیر یا آشفته - دوسوگرا با مشکل مواجه می‌شوند؛ از این‌رو، در آنان فراخودی تحول نیافته وجود دارد که قادر به کنترل و بازداری مؤثر رفتارهای ناهنجار نیست. به‌علاوه، در بُعد نیرومندی خود (ایگو)، این افراد در مقایسه با افراد عادی ضعیف‌تر و در بُعد حساسیت هیجانی دارای حساسیت هیجانی بالاتری هستند که هر دو مورد نمایانگر تحول‌یافتگی کمتر خود در افراد جامعه‌ستیز است. خود ضعیف همراه با هیجان‌پذیری بالا در این افراد موجب ایجاد برانگیختگی‌های شدید در مواجهه با محرک‌ها و ناتوانی در مهار آن‌ها می‌شود. طبق نظر کرنبرگ بدون

یک خود خوب توحید یافته، فرد تعادل اندکی در بازداری‌های فراخود در برابر فوران‌های تصادفی برانگیختگی‌های نهاد که به‌وسیله شرایط بیرونی به راه انداخته می‌شوند، خواهد داشت؛ بنابراین، این ضعف در خود منجر به ناتوانی در مهار برانگیختگی، عدم تنظیم هیجانی و زیر پا گذاشتن قوانین و هنجارهای اجتماعی و انجام هرگونه عمل مجرمانه در این افراد خواهد شد.

نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه سوم (به نظر می‌رسد بین صفت شخصیتی خودشیفتگی ارتباط مثبت و معنی‌داری با گرایش به رفتارهای بزهکارانه وجود دارد). ضریب همبستگی به‌دست‌آمده نیز نشان‌دهنده ارتباط مثبت و مستقیم بین دو متغیر صفت شخصیت خودشیفتگی و گرایش به رفتارهای بزهکارانه بوده است؛ بدین‌صورت که با افزایش صفت شخصیت خودشیفتگی میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه نیز افزایش خواهد یافت. این نتایج با مطالعات جواخیشویلی و وازسونی (2022)، مرادی و بشرپور (1400)، احمد سعد الشیخ (2021) و رایت و همکاران (7017) همخوانی دارد.

وتزل، آرتون و روبینس (1111) در بررسی خود روی رابطه بین خودشیفتگی و بزهکاری در نوجوانان، دریافتند این ویژگی از پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار نابهنجار، پرخاشگری و خلاف قانون است. ضمناً دانشجویان و دانش‌آموزانی با ویژگی خودشیفتگی بیشتر دست به تقلب، دزدی علمی و ادبی می‌زنند. به نظر می‌رسد، فقدان احساس گناه، رشد اخلاقی نابسند، نداشتن قواعد اخلاقی و خودبینی شدید افراد خودشیفته زمینه‌ساز گرایش آن‌ها به رفتارهای ناهنجاری است که به هر قیمت آنان را به هدف می‌رساند. علاوه بر این، نیاز شدید به کسب توجه و احترام دیگران در سایه کسب موفقیت هم ارضا می‌شود؛ از این‌رو خودشیفته‌ها حاضرند به هر روشی آن را به‌دست آورده و در نهایت، احترام و توجه دیگران را به‌دست آورند. افزون بر این‌ها، احساس محق بودن و همدلی اندک یا فقدان آن نیز از دیگر علت‌های گرایش به جرم در افراد خودشیفته است. افرادی با این ویژگی‌ها، ارزشی برای احساسات دیگران قائل نیستند و به همین سبب به خود اجازه می‌دهند که دست به کنترل و فریب زده و از دیگران برای نیل به مقصود استفاده کنند. درواقع، افراد با صفت

شخصیت خودشیفته چون از هیجان‌های منفی و جبران‌های رفتاری مانند پرخاشگری، تخریب‌گرایی (وندالیسم)، عزت‌نفس کاذب و بزرگ‌منشی برخوردار هستند، این خوبی‌ها را منتسب به خود در نظر می‌گیرند و بدی‌ها را به دیگران فرافکنی می‌کنند؛ لذا با توجه به طرح‌واره استحقاق با تخریب، آسیب‌رساندن، دور زدن قوانین و رفتارهای پرخطر از جمله رانندگی مخاطره‌آمیز و مصرف سیگار و مواد هم به خودشان و هم به دیگران آسیب‌های عمده می‌زنند درواقع، این افراد با داشتن رؤیای قدرتمندی، احساس استحقاق، تأییدطلبی، فقدان حس همدلی، بی‌عیب و نقص‌بودن، بهره‌کشی از دیگران، داشتن اعتمادبه‌نفس کاذب و ناتوانی در پذیرش انتقادات دیگران (عدم انتقادپذیری) با استفاده از رفتارهای مقابله‌ای ناسازگارانه که برگرفته از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه وابسته به تجربیات و موقعیت‌های برانگیزاننده است، دست به بزهکاری و انجام رفتارهای مجرمانه بزنند (موجسا- کاجا، ز کلارزکی، گونزالس- یوبرو و پالومرا، 1111، ص 4).

به‌منظور بررسی و تأیید فرضیه چهارم (گرایش به رفتارهای بزهکارانه بر اساس صفات تاریک شخصیت قابلیت پیش‌بینی دارد) از آزمون رگرسیون چندمتغیری به روش هم‌زمان (ورود) بهره گرفته شد. نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیری نشان داد که جامعه‌سستیزی، ماکیاولیسم و خودشیفتگی 55 درصد از واریانس گرایش به رفتارهای بزهکارانه را تبیین می‌کنند. این نتایج با مطالعات مرادی و بش‌ریور (0000)، علی‌وردی‌نیا و یونسی (3333)، جواخیشویلی و وازسونی (2222)، احمد سعد الشیخ (1111)، جیانگ و همکاران (0000) و رایت و همکاران (7777) همخوانی دارد.

درزمینه رابطه جامعه‌سستیزی با گرایش به رفتارهای بزهکارانه می‌توان به برخی از ویژگی‌های مرتبط با جامعه‌سستیزی از جمله فریبکاری، خودخواهی، دستکاری‌کنندگی، عدم پشیمانی و همدلی، مسئولیت‌ناپذیری، جست‌وجوی تحریک اشاره کرد. درواقع، جامعه‌سستیزی و انجام رفتارهای بزهکارانه به خاطر دو مسیر عدم ترس و ناتوانی در پردازش اطلاعات است. در مسیر اول، جامعه‌سستیزی نتیجه ترس پایین یا فقدان انتظار ترس است. افراد با این ویژگی

احتمالاً به خاطر فقدان ترس از پیامدهای منفی بالقوه درگیر رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه می‌شوند. حجم وسیعی از پژوهش‌ها از این ایده حمایت کرده‌اند. مسیر دوم نشان می‌دهد که نقص در پردازش اطلاعات منجر به فقدان کنترل نظارتی می‌شود. مطابق این مسیر تمایل به درگیر شدن در رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه ناشی از ناتوانی برای توجه و پردازش شناختی نشانه‌های محیطی و فقدان توجه/درک پیامدهای بالقوه آن است. در زمینه رابطه خودشیفتگی با رفتارهای بزهکارانه می‌توان به برخی از ویژگی‌های مرتبط با خودشیفتگی از جمله اطمینان بیش‌ازحد، بزرگ‌نمایی، خوش‌بینی غیرواقع‌گرایانه، محق‌بودن و بهره‌کشی اشاره کرد؛ ویژگی‌هایی که افراد با نمره بالای خودشیفتگی را به‌سوی انجام رفتارهای پرخطر و بزهکاری سوق می‌دهد. همچنین رفتار آن‌ها می‌تواند ناشی از نوجویی و وابستگی آن‌ها به پاداش‌های کوچک‌تر و فوری مرتبط با ریسک‌پذیری رفتاری تا پاداش‌های بزرگ‌تر اما دورتر باشد. سرانجام، افراد خودشیفته سوگیری‌های شناختی دارند که این منجر به یک توهم کنترل می‌شود (چوی و گیتانی، 8888، ص 6666). و بنابراین آن‌ها قویاً معتقدند حتی زمانی که امکان موفقیت خیلی پایین باشد، غیرممکن است آن‌ها چیزی را از دست بدهند. در تبیین رابطه ماکیاولیسم با رفتارهای بزهکارانه آن‌گونه که قبلاً اشاره شد ماکیاولیسم با فریب‌کاری، بی‌رحمی و دستکاری دیگران برای رسیدن به اهداف مشخص می‌شود، زمانی که این صفت با تمایلات جامعه‌ستیزانه و خودشیفتگی ترکیب می‌شود سبب تمایل بیشتر افراد با نمره بالای ماکیاولیسم به رفتارهای مجرمانه می‌شود. در واقع، افراد به لحاظ هیجانی بی‌احساس‌تر، سنگ‌دل‌تر و بی‌عاطفه‌تر به احتمال بیشتری نگرش‌های حاکی از بی‌تفاوتی اخلاقی را گزارش می‌کنند. افراد با این صفات نسبت به دیگران و به‌طور خاص در موقعیت‌های پریشان‌کننده، به‌سادگی پیامدهای منفی اعمال آزاردهنده خود را نادیده می‌گیرند، و با قربانیان اعمالشان به‌صورت غیرانسانی رفتار می‌کنند (جیانگ و همکاران، 1111، ص 0000).

پیشنهادها

- با توجه به تأثیر ناهنجاری و بزهکاری همسالان بر یکدیگر، اولیا و نوجوانان، پلیس در همکاری و روابط متقابل تدابیری بیندیشد و در برنامه‌های متفاوت، آنان را نسبت به تأثیرپذیری، بزهکاری و عواقب آن آگاه کند، به نحوی که دانش‌آموزان راغب شوند داوطلبانه برای کاهش این امر در برنامه‌های طراحی شده پیشگام شوند.
- با تشکیل شورای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نوجوانان و جوانان با توجه به رویکرد رشدمدار می‌تواند از بخش زیادی از جرائم پیشگیری کرد. همچنین تمامی سازمان‌ها، نهادها و بخش‌هایی که به نحوی با موضوع ارتباط دارند، ضمن تشکیل کمیته‌های تخصصی به صورت متمرکز و مستمر ضمن شفاف‌سازی، وظایف پیشگیری از بزهکاری را دنبال کنند.
- باید زمینه ارتکاب به جرم را ضعیف کرد و با دادن آگاهی از طریق مناسب، جوانان را از نتایج پایانی ارتکاب به جرم آگاه ساخت. پایه شعارها، ضرب‌المثل‌ها و فرهنگ زیبای قدیم این سرزمین را احیا کرد.
- با آموزش مهارت‌ها خودکنترلی و همدلی به دانش‌آموزان می‌توان در کاهش رفتارهای بزهکارانه و سایر رفتارهای پرخطر از جمله روابط جنسی محافظت‌نشده، رانندگی پرخطر، مصرف مواد و مشکلات آموزشی نظیر فرار از مدرسه و ترک تحصیل دانش‌آموزان گامی مهمی برداشت.

سپاسگزاری

از همه دانش‌آموزان و مسئولین آموزش و پرورش شهرستان نورآباد (دلفان) که با پژوهشگران در اجرای پژوهش نهایت همکاری را داشته‌اند، قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- احمدوند، خلیل‌الله؛ نظری، پریسا و مرتضوی، سیده فاطمه. (1399). ریشه‌یابی علل بزهکاری از منظر فقه و حقوق اسلامی. *فصلنامه بین‌المللی قانون یار*، 4 (4)، 645-662. قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1701620>
- اکبری، حسین. (1391). *علل وقوع جرم از دیدگاه اسلام*، پایگاه اینترنتی راسخون. قابل بازیابی از:
<https://rasekhoon.net/article/show/628431>
- فرزانه، سیف‌الله؛ ملانیا جلودار، شهرام و زمانی‌راد، اسماعیل. (1394). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان 12-18 ساله به بزهکاری در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان. *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، 6 (18)، 73-98. قابل بازیابی از:
<https://www.virascience.com/article/232813>
- رویکر، محمدرضا. (1391). *پیشگیری از جرم از دیدگاه قرآن*. قم: بنیاد علوم و معارف اسلامی.
- علیوردی‌نیا، اکبر و یونسی، عرفان. (1333). تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان. *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ*، 7 (66)، 33-118. قابل بازیابی از:
http://www.jsfc.ir/article_15127.html
- کوثری مسعود. (1382). *آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر*. فصلنامه علمی/اعتیاد پژوهی، ۲ (۵)، ۱۳-۳۰. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/274519>
- مرادی کلارده، پریسا و بشرپور، سجاد. (1400). نقش مدل ترکیبی سرشت‌های عاطفی و هیجانی در پیش‌بینی نگرش‌های منفی به بزهکاری در دانش‌آموزان. *علوم اعصاب شفای خاتم*، 9 (4)، 1-10. قابل بازیابی از:
<https://www.magiran.com/volume/183702>
- معین، محمد. (1375). *فرهنگ لغت فارسی*. ج 1 و 2، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.

- Agnew, R. (1980a). A Revised Strain Theory of Delinquency. *Dissertation Abstracts International*, 42(02), 865. (UMI No.8114781). Retrieved from <https://doi.org/10.2307/2578977>
- Agnew, R. (1992a). Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency. *Criminology*, 30(1), 47- 87. Retrieved from: <https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.1992.tb01093.x>
- Agnew, R. (2006). General Strain Theory: Current Status and Directions for Further Researches. In Cullen, F.T., Wright, J.P., & Blevins, K.R. (Eds.) *Taking stock: The Status of Criminological Theory* (P.121-123). New Brunswick, NJ: Transaction Publishers
- Alsheikh Ali, A. S. A. (2020). Delinquency as predicted by dark triad factors and demographic variables. *International journal of adolescence and youth*, 25(1), 661-675. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/02673843.2020.1711784>
- Bader, M., Hartung, J., Hilbig, B. E., Zettler, I., Moshagen, M., & Wilhelm, O. (2021). Themes of the dark core of personality. *Psychological assessment*, 33(6), 511–525. Retrieved from: <https://doi.org/10.1037/pas0001006>
- Chui, W. H., & Khiatani, P. V. (2021). Mediating the Maltreatment-Delinquency Relationship: The Role of Triad Gang Membership. *Journal of interpersonal violence*, 36(5-6), 2140–2165. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0886260518760607>
- Dss k Dsss ki eeeehhkkki J Rzhaar,, & Tmmik R. (2021). The Dark Triad of Personality in the Context of Health Behaviors: Ally or Enemy?. *International journal of environmental research and public health*, 18(8), 4113. Retrieved from: <https://doi.org/10.3390/ijerph18084113>
- Flexon, J. L., Meldrum, R. C., Young, J. T., & Lehmann, P. S. (2016). Low self-control and the Dark Triad: Disentangling the predictive power of personality traits on young adult substance use, offending and victimization. *Journal of Criminal Justice*, 46, 159–169. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2016.05.006>
- Foster, J. D., Brantley, J. A., Kern, M. L., Kotze, J. L., Slagel, B. A., & Szabo, K. (2018). The many measures of grandiose narcissism. *Handbook of trait narcissism: Key advances, research methods, and controversies*, 115-123. Retrieved from: <https://doi.org/10.1007/978-3-319-92171-6>

- Gottfredson, L. S. (2005). Applying Gottfredson's Theory of Circumscription and Compromise in Career Guidance and Counseling. In S. D. Brown & R. W. Lent (Eds.), *Career development and counseling: Putting theory and research to work* (pp. 71–100). John Wiley & Sons, Inc.
- Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford University Press.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Hirschi, T. (2004). Self-control and crime. In R. F. Baumeister & K. D. Vohs (Eds.), *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications* (pp. 537–552). The Guilford Press.
- Hirschi, T., & Gottfredson, M. R. (2000). In Defense of Self-Control. *Theoretical Criminology*, 4(1), 55–69. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/1362480600004001003>
- Javakhishvili, M., & Vazsonyi, A. T. (2022). Empathy, Self-control, Callous-Unemotionality, and Delinquency: Unique and Shared Developmental Antecedents. *Child psychiatry and human development*, 53(2), 389–402. Retrieved from: <https://doi.org/10.1007/s10578-021-01137-2>
- Jiang, X., Chen, X., & Zhuo, Y. (2020). Self-Control, External Environment, and Delinquency: A Test of Self-Control Theory in Rural China. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 64(16), 1696–1716. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0306624X20923254>
- Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2011a). Differentiating the Dark Triad within the interpersonal circumplex. In L. M. Horowitz, & S. Strack (Eds.), *Handbook of interpersonal psychology: Theory, research, assessment, and therapeutic interventions* (pp. 249–267). New York: Wiley.
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: The Guilford Press.
- Kramer, U. (2018). Mechanisms of change in treatments of personality disorders: Introduction to the special section. *Journal of personality disorders*, 32, 1–11. Retrieved from: <https://doi.org/10.1521/pedi.2018.32.suppl.134>
- Mojsa-Kaja, J., Szklarczyk, K., González-Yubero, S., & Palomera, R. (2021). Cognitive emotion regulation strategies mediate the relationships between Dark Triad traits and negative emotional

- states experienced during the COVID-19 pandemic. *Personality and Individual Differences*, 181, 111018. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.111018>
- Patrick, C. J., Fowles, D. C., Krueger, R. F. (2009). Triarchic conceptualization of psychopathy: Developmental origins of disinhibition, boldness, and meanness. *Development and Psychopathology*, 21(3), 913–38. Retrieved from: <https://doi.org/10.1017/S0954579409000492>
 - Patterson, G. R., DeBaryshe, B. D., & Ramsey, E. (2017). A developmental perspective on antisocial behavior. *American Psychologist*, 44 (2), 329–335. Retrieved from: <https://doi.org/10.1037//0003-066x.44.2.329>
 - Pechorro, P., Houghton, S., Simões, M. R., & Carroll, A. (2019). The Adapted Self-Report Delinquency Scale for Adolescents: Validity and Reliability Among Portuguese Youths. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 63(6), 837-853. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0306624X18811595>
 - Pisano, S., Muratori, P., Gorga, C., Levantini, V., Iuliano, R., Catone, G., & Masi, G. (2017). Conduct disorders and psychopathy in children and adolescents: Aetiology, clinical presentation and treatment strategies of callous-unemotional traits. *Italian Journal of Pediatrics*, 43 (1), 84. Retrieved from: <https://doi.org/10.1186/s13052-017-0404-6>
 - Rafferty, J. (2018). Ensuring comprehensive care and support for transgender and gender-diverse children and adolescents. *Pediatrics*, 142(4), e20182162. Retrieved from: <https://doi.org/10.1542/peds.2018-2162>
 - Rauthmann, J. F., & Kolar, G. P. (2013). The perceived attractiveness and traits of the dark triad: Narcissists are perceived as hot, Machiavellians and psychopaths not. *Personality and Individual Differences*. 54 (5), 582–666. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.paid.2012.11.005>
 - Soper, D.S. (2023). *A-priori Sample Size Calculator for Multiple Regression* [Software]. Retrieved from: <https://www.danielsoper.com/statcalc>
 - Thornberry, T. (2018). *Developmental theories of crime and delinquency (1st ed.)*. New York: Routledge. Retrieved from: <https://doi.org/10.4324/9780203793350>
 - Voisin, D. R., Kim, D. H., Bassett, S. M., & Marotta, P. L. (2020). Pathways linking family stress to youth delinquency and substance use:

Exploring the mediating roles of self-efficacy and future orientation. *Journal of health psychology*, 25(2), 139–151. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1177/1359105318763992>

– Walters G. D. (2021). Delinquency as a consequence of parental warmth and self-efficacy: Total sample and individual male and female mediation analyses. *Journal of adolescence*, 89, 137–148. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2021.04.009>

– Wetzel, E., Atherton, O.E., & Robins, R. W. (2021) Investigating the link between narcissism and problem behaviors in adolescence, *Self and Identity*, 20 (2), 268-281, Retrieved from:

<https://doi.org/10.1080/15298868.2019.1609573>

– Wright, J. P., Morgan, M. A., Almeida, P. R., Almosaed, N. F., Moghrabi, S. S., & Bashatah, F. S. (2017). Malevolent Forces: Self-Control, the Dark Triad, and Crime. *Youth Violence and Juvenile Justice*, 15(2), 191–215. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1177/1541204016667995>

– Xia, Y., Li, S. D., & Liu, T. H. (2018). The interrelationship between family violence, adolescent violence, and adolescent violent victimization: An application and extension of the cultural spillover theory in China. *International journal of environmental research and public health*, 15(2), 371. Retrieved from:

<https://doi.org/10.3390/ijerph15020371>

– Yilmaz, I., Koca, G. (2015). General Strain Theory of Delinquency: the Dvvl mmmtt ll oooes ff Rrrrr t Agssss soo rk frmm Hitrrriaal Perspective. *International Journal of Business and Social Science*, 6 (11), 168-178. Retrieved from:

<https://doi.org/10.30845/ijbss>

– Zeigler-Hill, V., Marcus, D.K. (2016). *The dark side of personality: Science and practice in social, personality, and clinical psychology*. Washington D. C.: American Psychological Association.